

درس هفتم

فوائد امام غائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف) اهداف:

- افزایش معرفت و بینش مردم نسبت به امام غائب
- توجه به جایگاه و وظائف امام (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در عالم هستی

فوائد:

- تقویت اعتقاد و باور مردم به حضرت (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ۲. آگاهی نسبت به شئون امام (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ۳. تلاش برای تقرب و بهره مندی از عنایات حضرت

مطالب آموزشی:

- جایگاه محوری امام در نظام هستی
- امیدبخشی و امنیت بخشی
- پایداری مکتب و حفظ کیان شیعه
- حفظ علوم و اسرار الهی
- هدایت باطنی و تهذیب نفوس

فوائد امام غایب

صدها سال است که جامعه بشری از فیض ظهور حجّت خدا محروم گردیده و امت اسلامی از درک محضر رهبری آسمانی و پیشوایی معصوم، بی بهره مانده است. به راستی وجود او در غیبت و زندگی او در پنهانی و دور از دسترس همگان چه آثاری برای جهان و جهانیان دارد؟ آیا نمی‌شد در نزدیکی‌های دوران ظهور متولد شود و شاهد روزگار سخت غیبت خویش از شیعیان نباشد؟

این سؤال و مانند آن از نبود شناخت نسبت به جایگاه امام و حجّت الهی سرچشمه می‌گیرد. به راستی جایگاه امام در مجموعه هستی چگونه است؟ آیا همه آثار وجودی او به آشکار بودن او وابسته است؟ آیا او تنها برای رهبری و پیشوایی مردمان است یا وجود او برای همه موجودات دارای اثر و برکت است؟

امام محور هستی

از نظر شیعه و براساس تعالیم دینی، امام، واسطه فیض رسانی پروردگار به همه پدیده‌های جهان آفرینش است. او در نظام هستی محور و مدار است و بی‌وجود او عالم و آدم، جن و ملک و حیوان و جمادی نمی‌ماند. از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد آیا زمین بدون امام باقی می‌ماند؟ حضرت فرمود:

«اگر زمین بدون امام بماند هر آینه اهل خود را فرو می‌برد.»^۱

اینکه او در رساندن پیام‌های خدا به مردم و راهنمایی آنها به سوی کمال انسانی، واسطه است و هر فیض و لطفی در این بخش به سبب وجود او به همگان می‌رسد، امری روشن و بدیهی است. زیرا از ابتدا خداوند متعال از طریق پیامبران و سپس جانشینان آنها قافله بشری را هدایت کرده است. ولی از کلمات معصومین (علیهم السلام) استفاده می‌شود که وجود امامان در گستره عالم به عنوان واسطه‌ای برای رسیدن هر نعمت و فیضی از ناحیه پروردگار به هر موجود کوچک و بزرگی است. به بیان آشکارتر همه موجودات، آنچه از فیوضات و عطایای الهی دریافت می‌کنند از کانال امام می‌گیرند. هم اصل وجودشان به واسطه امام است و هم نعمت‌ها و بهره‌های دیگری که در طول حیات خود دارا هستند.

در فرازی از زیارت جامعه کبیره که یک دوره امام شناسی است اینگونه آمده است:

«بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتَمُ وَبِكُمْ يَنْزِلُ الْغَيْثُ وَبِكُمْ يَمْسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بَازِنَةً ۚ»

[ای امامان بزرگ] خداوند به سبب شما [عالم را] آغاز کرد و به سبب شما [فیز آن را] پایان می‌دهد و به [سبب وجود] شما باران را فرو می‌فرستد و به [برکت وجود] شما آسمان را نگهداشته است از اینکه بر زمین فرود آید، جز به اراده او.»

بنابراین آثار وجودی امام تنها به ظهور و آشکاری او خلاصه نمی‌شود بلکه وجود او در عالم - حتی در غیبت و نهان زیستی - سرچشمه حیات همه موجودات و مخلوقات الهی است و خدا خود اینگونه خواسته است که او که

موجود برتر و کاملتر است واسطه دریافت و رساندن فیوضات و داده‌های الهی به سایر پدیده‌ها باشد و در این عرصه فرقی بین غیبت و ظهور او نیست. آری همگان از آثار وجود امام بهره می‌گیرند و غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در این جهت خللی ایجاد نمی‌کند. جالب اینکه وقتی از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) درباره نحوه بهره‌مندی از آن حضرت در دوره غیبت، سؤال می‌شود می‌فرماید:

«وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِبِي فِي غَيْبَتِي فَكَأَنَّ الْإِنْتِفَاعَ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ؛

بهره‌مندی از من در روزگار غیبت، مانند سود بردن از خورشید است آن‌گاه که به وسیله ابرها از چشم‌ها پوشیده است.»

تشبیه امام به آفتاب و تشبیه غیبت او به قرار گرفتن خورشید در پس ابر، نکته‌های فراوانی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

خورشید در منظومه شمسی مرکزیت دارد و کرات و سیارات به دور او حرکت می‌کنند چنان که وجود گرامی امام عصر مرکز نظام هستی است.

بِقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَبِيَمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَبِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ؛

به سبب بودن او دنیا باقی است و به برکت وجود او، عالم روزی می‌خورند و به خاطر وجود او زمین و آسمان، استوار مانده است.

آفتاب، لحظه‌ای از نورافشانی دریغ نمی‌کند و هر کس به اندازه ارتباطی که با خورشید دارد از نور آن بهره می‌گیرد. چنان که وجود ولی عصر واسطه دریافت همه نعمت‌های مادی و معنوی است که از ناحیه پروردگار جهان به بندگان می‌رسد ولی هر کس به اندازه رابطه خود با آن منبع کمالات، بهره‌مند می‌گردد.

اگر این آفتاب پشت ابر هم نباشد، شدت سرما و تاریکی، زمین را غیر قابل سکونت خواهد کرد. چنانکه اگر عالم از وجود امام - گرچه در پشت پرده غیبت - محروم بماند سختی‌ها و نابسامانی‌ها و هجوم انواع بلاها ادامه زندگی را غیر ممکن می‌سازد.

آن حضرت در نامه‌ای به شیخ مفید خطاب به شیعیان خود می‌فرماید:

«إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَتْ بِكُمْ اللَّوَاءُ وَاصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ؛

ما هرگز شما را به حال خود رها نکرده ایم و هرگز شما را از یاد نبرده ایم و اگر نبود (عنايات پیوسته ما) حتماً سختی‌ها و بلاهای فراوانی به شما می‌رسید و دشمنان شما را نابود می‌کردند.»

بنابراین آفتاب وجود امام بر عالم وجود می‌تابد و به همه هستی فیض می‌رساند و در این میان برای بشریت و به ویژه جامعه مسلمین و امت شیعه و معتقد به او برکات و خیرات بیشتری دارد که به نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم:

امید بخشی

از سرمایه‌های مهم زندگی، امید است. امید مایه حیات و نشاط و پویایی است. امید عامل حرکت و اقدام است. وجود امام در عالم، موجب امید به آینده‌ای روشن و سراسر شور و اشتیاق است. شیعه، پیوسته و در طول تاریخ هزار و چهارصدساله، به انواع بلاها و سختی‌ها گرفتار شده است و آن چه به عنوان نیروئی بزرگ و پشتوانه‌ای استوار، او را به ایستادگی و تسلیم نشدن و حرکت و تلاش، واداشته است؛ امید به آینده سبز مؤمنین و دین باوران بوده است. آینده‌ای که خیالی و افسانه‌ای نیست؛ آینده‌ای که نزدیک است و می‌تواند نزدیک‌تر باشد. زیرا آن که باید رهبری قیام را به عهده گیرد زنده است و هر لحظه پا به رکاب؛ و این من و تو و مائیم که باید آماده باشیم.

پایداری مکتب

هر جامعه‌ای برای حفظ تشکیلات خود و ادامه راه تا رسیدن به مقصد مورد نظر، نیاز به وجود رهبری آگاه دارد تا اجتماع، تحت نظر و فرماندهی او در مسیر صحیح، حرکت کند. وجود رهبر، پشتوانه بزرگی برای افراد است تا در یک سازماندهی منظم، دستاوردهای قبلی را حفظ کنند و به تقویت برنامه‌های آینده، همت گمارند. رهبر زنده و فعال، گرچه در میان جمعیت و افراد خود نباشد از ترسیم خطوط اصلی و ارائه راهکارهای کلی، کوتاهی نمی‌کند و به واسطه‌های گوناگون، نسبت به راههای انحرافی، هشدار می‌دهد.

امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گرچه در غیبت است ولی وجود او عامل جدی برای حفظ مکتب شیعه است. او با آگاهی کامل از توطئه‌های دشمنان، به شیوه‌های مختلف، مرزهای فکری شیعیان را پاسداری می‌کند و آن گاه که دشمن فریبکار با وسیله‌ها و ابزارهای گوناگون، اصول مکتب و اعتقادات مردم را نشانه می‌گیرد، با هدایت و ارشاد عالمان و برگزیدگان، راههای نفوذ او را می‌بندد.

برای نمونه، عنایت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شیعیان بحرین را از زبان علامه مجلسی^۶ می‌شنویم:

در روزگار گذشته، فرمانروایی ناصبی بر بحرین حکومت می‌کرد، که وزیرش در دشمنی با شیعیان آن جا، گوی سبقت را از او ربوده بود. روزی وزیر بر فرمانروا وارد شد و اناری را به دست او داد، که به صورت طبیعی این واژه‌ها بر پوست آن نقش بسته بود: «لا اله الا الله، محمد رسول الله و ابوبکر و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول الله». فرمانروا از دیدن آن بسیار در شگفت شد و به وزیر گفت: این، نشانه‌ای آشکار و دلیلی نیرومند بر بطلان مذهب تشیع است. نظر تو درباره شیعیان بحرین چیست؟ وزیر پاسخ داد: به باور من، باید آنان را حاضر کنیم و این نشانه را به ایشان ارایه دهیم. اگر آن را پذیرفتند که از مذهب خود دست می‌کشند و گرنه آنان را میان گزینش سه چیز مخیر می‌کنیم؛ پاسخی قانع کننده بیاورند یا جزیه^۷ بدهند و یا این که مردان شان را می‌کشیم زنان و فرزندان شان را اسیر می‌کنیم و اموال شان را به غنیمت می‌بریم.

فرمانروا، رأی او را پذیرفت و دانشمندان شیعه را نزد خود فراخواند. آن گاه انار را به ایشان نشان داد و گفت: اگر در این باره دلیلی روشن بیاورید، شما را می‌کشم و زنان و فرزندان تان را اسیر می‌کنم یا این که باید جزیه بدهید. دانشمندان شیعه، سه روز از او مهلت خواستند. آنان پس از گفت‌وگوی فراوان به این نتیجه رسیدند که از میان خود، ده نفر از صالحان و پرهیزگاران بحرین را برگزینند. آن گاه از میان این ده نفر نیز سه نفر را برگزیدند و به یکی از آن سه نفر گفتند: تو امشب به سوی صحرا برو و به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) استغاثه کن و از او، راه رهایی از این مصیبت را بپرس؛ زیرا او، امام و صاحب ماست.

آن مرد چنین کرد، ولی موفق به زیارت حضرت نشد. شب دوم نیز نفر دوم را فرستادند. او نیز پاسخی دریافت نکرد. شب آخر، نفر سوم را که محمد بن عیسی نام داشت فرستادند. او به صحرا رفت و با گریه و زاری از حضرت، درخواست کمک کرد. چون آخر شب شد، شنید مردی خطاب به او می‌گوید: ای محمد بن عیسی! چرا تو را به این حال می‌بینم و چرا به سوی بیابان بیرون آمده‌ای؟ محمد بن عیسی از آن مرد خواست که او را به حال خود واگذارد. او فرمود: ای محمد بن عیسی! منم صاحب الزمان. حاجت خود را بازگو! محمد بن عیسی گفت: اگر تو صاحب الزمانی، داستان مرا می‌دانی و به گفتن من نیاز نیست. فرمود: راست می‌گویی. تو به دلیل آن مصیبتی که بر شما وارد شده است، به این جا آمده‌ای.

عرض کرد: آری، شما می‌دانید چه بر ما رسیده است و شما امام و پناه ما هستید. پس آن حضرت فرمود: ای محمدبن عیسی! در خانه ی آن وزیر - لعنة الله عليه - درخت اناری است. هنگامی که درخت تازه انار آورده بود، او از گل، قالبی به شکل انار ساخت. آن را نصف کرد و در میان آن، این جملات را نوشت. سپس قالب را بر روی انار که کوچک بود، گذاشت و آن را بست. چون انار در میان آن قالب بزرگ شد، آن واژه‌ها بر روی آن نقش بست! فردا نزد فرمانروا می‌روی و به او می‌گویی که من پاسخ تو را در خانه ی وزیر می‌دهم. چون به خانه ی وزیر رفتید، پیش از وزیر به فلان اتاق برو! کیسه ی سفیدی خواهی یافت که قالب گلی در آن است. آن را به فرمانروا نشان ده. نشانه ی دیگر این که به فرمانروا بگو: که معجزه ی دیگر ما این است که چون انار را دو نیم کنید، جز دود و خاکستر چیزی در آن نیست!

محمدبن عیسی از این سخنان بسیار شادمان شد و به نزد شیعیان بازگشت. روز دیگر، آنان پیش فرمانروا رفتند و هر آن چه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرموده بود، آشکار گشت.

فرمانروای بحرین با دیدن این معجزه به تشیع گروید و دستور داد وزیر حيله گر را به قتل رساندند.^۸

خودسازی

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾^۹

[ای پیامبر به مردم] بگو عمل کنید [ولی بدانید] که خداوند و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و مؤمنان، کارهای شما را می‌بینند.

در روایات آمده است که مراد از «مؤمنون» در این آیه شریفه، امامان معصوم (علیهم السلام) هستند.^{۱۰} بنابراین، اعمال مردم به نظر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌رسد. و آن بزرگوار از پس پرده غیبت، شاهد و ناظر کارها است. این حقیقت اثر تربیتی بزرگی دارد و شیعیان را به اصلاح کارهای خود وامی‌دارد و از این که در برابر حجت خدا و امام خوبی‌ها به زشتی‌ها و گناهان آلوده شوند باز می‌دارد. البته به هر اندازه توجه انسان به آن معدن صفا و پاکی، بیشتر باشد، آئینه دل و جاننش، صفای بیشتری می‌یابد و این روشنی و زلالی در گفتار و رفتار او آشکارتر می‌گردد.

پناهگاه علمی و فکری

پیشوایان معصوم (علیهم السلام)، معلّمان و مربیان اصلی جامعه هستند و مردم، همواره از سرچشمه زلال معارف ناب آن بزرگواران بهره‌ها برده‌اند. در زمان غیبت نیز، اگرچه دسترسی مستقیم و استفاده همه جانبه از محضر امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ممکن نیست ولی آن معدن علوم الهی به راههای مختلف، گره از مشکلات علمی و فکری شیعیان باز می‌کند. در دوره غیبت صغری، بسیاری از سؤالات مردم و علما، از طریق نامه‌های امام که به توقیعات مشهور است پاسخ داده می‌شد.^{۱۱}

امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جواب نامه اسحاق بن یعقوب و سؤال‌های او، نوشته است:

«خداوند تو را هدایت کند و ثابت قدم بدارد؛ اما اینکه درباره منکران از خاندان و عموزادگان ما سؤال کردی، بدان که بین خدا و هیچ کس خویشاوندی نیست و کسی که مرا انکار کند از من نیست و عاقبت او همانند سرانجام پسر نوح است... و اما اموال تان را تا پاکیزه نکنید قبول نمی‌کنیم...»

و اما اموالی که برای ما فرستادی از آن رو می‌پذیریم که پاکیزه و طاهر است... و کسی که اموال ما را حلال شمرده و آن را بخورد همانا آتش خورده است... و چگونگی استفاده از من، مانند بهره‌مندی از خورشید پشت ابر

است و من امان مردم روی زمین هستم همانطوری که ستارگان امان اهل آسمانها هستند. و از اموری که سودی برایتان ندارد پرسش نکنید و خود را در آموختن آنچه از شما نخواستند به زحمت نیفکنید و برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که همان، فرج شماست، سلام بر توای اسحاق بن یعقوب و سلام بر هر کسی که پیرو هدایت است.^{۱۲} پس از غیبت صغری هم بارها علمای شیعه، مشکلات علمی و فکری خود را با امام خویش مطرح کرده و پاسخ آن را دریافت نموده‌اند.

میر علام یکی از شاگردان مقدس اردبیلی^{۱۳} چنین می گوید:

نیمه شبی در نجف اشرف در صحن مطهر حضرت علی (علیه السلام) بودم ناگاه شخصی را دیدم که به سمت حرم می‌رود، به سوی او رفتم چون نزدیک شدم؛ دیدم که شیخ و استادم ملا احمد مقدس اردبیلی (قدس سره) است. خود را از او پنهان کردم.

نزدیک حرم مطهر شد در حالی که در بسته بود؛ ناگاه دیدم در گشوده شد و داخل حرم گردیدم! و پس از مدتی کوتاه از حرم خارج شد، و به سمت کوفه متوجه گردیدم.

به دنبال او روانه شدم به طوری که مرا نمی‌دید تا آن که داخل مسجد کوفه گردیدم و در نزد محرابی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در آن ضربت زده‌اند قرار گرفت و مدتی در آنجا درنگ کرد. سپس برگشت و از مسجد بیرون رفت و به سمت نجف متوجه گردیدم من همچنان دنبال او بودم تا آنکه به مسجد حنانه رسیدم؛ ناگاه بدون اختیار سرفه ام گرفت چون صدای مرا شنید برگشت نگاهی به من کرد و مرا شناخت. فرمود: میر علام هستی؟ گفتم: آری! گفت: اینجا چه می‌کنی؟ گفتم: از آن زمان که داخل حرم حضرت علی (علیه السلام) شدم تا حال با شما هستم. شما را به حق این قبر قسم می‌دهم که سر این واقعه را که امشب از شما مشاهده کردم به من خبر دهید! فرمود: به شرط آن که تا من زنده هستم آن را به کسی نگویی! چون به او اطمینان دادم فرمود: گاهی که برخی مسائل بر من مشکل می‌شود برای حل آن به امیرالمؤمنین (علیه السلام) متوسل می‌شوم. امشب نیز مسئله‌ای برای من مشکل شد و در آن فکر می‌کردم؛ ناگاه به دلم افتاد که باز به خدمت آن حضرت روم و سؤال کنم.

چون به حرم مطهر رسیدم چنان که دیدی در بسته بر روی من گشوده شد. پس داخل شده به خدا نالیدم که جواب آن را از آن حضرت دریابم ناگاه از قبر مطهر ندایی شنیدم که فرمود: به مسجد کوفه برو و از قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سؤال کن زیرا که او امام زمان توست. پس به نزد محراب [مسجد کوفه] آمدم و از آن بزرگوار سؤال کرده جواب شنیدم و اکنون به منزل خود می‌روم.^{۱۴}

هدایت باطنی و نفوذ روحانی

امام و حجّت خدا وظیفه رهبری و هدایت مردم را به عهده دارد و در تلاش است افرادی را که آماده دریافت نور هدایت او هستند، راهنمایی کند. برای انجام این مأموریت الهی، گاهی آشکارا و بی پرده، با انسان‌ها ارتباط برقرار می‌کند و با گفتار و کردار زندگی ساز خود، راه سعادت و بهروزی آن‌ها را نشان می‌دهد و زمانی دیگر با استفاده از قدرت ولایت خود که نیروی غیبی و الهی است در درون قلب‌ها اثر می‌گذارد و با توجهی ویژه و عنایتی خاص، دل‌های آماده را، مایل به خوبی‌ها و زیبایی‌ها می‌کند و راه رشد و کمال آن‌ها را هموار می‌سازد. در این بخش، نیازی به حضور ظاهری امام و ارتباط مستقیم با او نیست بلکه هدایت‌ها از راه‌های درونی و ارتباطات قلبی انجام می‌گیرد. امام علی (علیه السلام) در بیان این بخش از فعالیت‌های امام می‌فرماید:

خداوند، جز این نیست که باید حجّتی از سوی تو در زمین باشد تا خلق را به سوی آئین تو رهنمون گردد... و اگر وجود ظاهری او از مردم پنهان باشد ولی بی شک تعالیم و آداب او در دل‌های مؤمنین پراکنده است و آن‌ها براساس آن عمل می‌کنند.^{۱۵}

امام غایب از طریق همین هدایت‌ها به کار نیروسازی برای قیام و انقلاب جهانی، همت می‌گمارد. و آن‌ها که شایستگی‌های لازم را دارا باشند تحت تربیت ویژه امام، برای حضور در رکاب آن حضرت آماده می‌شوند و این یکی از برنامه‌های امام غایب است که به برکت وجود او انجام می‌شود.

ایمینی از بلاها

بدون تردید، امنیت از اصلی‌ترین سرمایه‌های زندگی است. پدید آمدن حوادث گوناگون در عالم، همواره زندگی و حیات طبیعی موجودات را در معرض نابودی قرار داده است و کنترل آفت‌ها و بلاها اگرچه با فراهم آوردن وسائل مادی ممکن است ولی عوامل معنوی نیز در آن تأثیر فراوانی دارد. در روایات پیشوایان ما، وجود امام و حجّت الهی، در مجموعه جهان آفرینش، به عنوان عامل امنیت زمین و اهل آن شمرده شده است.

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خود فرموده است:

وَ اِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ...؛

من موجب ایمنی (از بلاها) برای ساکنان زمین هستم.^{۱۶}

وجود امام، مانع از آن است که مردم به سبب انواع گناهان و مفسداتی که انجام می‌دهند به عذاب‌های سخت الهی گرفتار آیند و طومار حیات زمین و اهل آن در هم پیچیده شود.

قرآن کریم در این باره، خطاب به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ...﴾

«ای رسول ما تا زمانی که تو در میان ایشان (مسلمانان) هستی، خداوند هرگز آن‌ها را به عذاب (عمومی) گرفتار نخواهد

کرد.»^{۱۷}

حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که مظهر رحمت و مهر پروردگار است نیز به عنایت خاص خود بلاهای بزرگ را به ویژه از جامعه شیعیان و فرد فرد آن‌ها دور می‌کند؛ گرچه در بسیاری از موارد، شیعیان به لطف و کرامت او توجه نداشته باشند و دست یاری‌گر او را در بالای سر خود نشانند!

آن گرامی در مقام معرفی خود فرموده است:

«أَنَا خَاتِمُ الْأَوْصِيَاءِ وَ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ مِنْ أَهْلِي وَ شِيعَتِي؛

من آخرین جانشین پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) هستم و خدای تعالی به [سبب وجود] من بلاها را از خاندان و شیعیانم دور

می‌کند.»^{۱۸}

در جریان شکل‌گیری انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و سال‌های پراشتاب دفاع مقدّس، بارها لطف و محبت آن امام بزرگوار بر سر ملت و مملکت سایه افکند و نظام اسلامی و ملت مسلمان و مهدوی را از گردنه توطئه‌های سنگین دشمن، عبور داد! شکسته شدن حکومت نظامی شاه در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ به فرمان امام خمینی (علیه السلام) حادثه سقوط هلی‌کوپترهای نظامی آمریکا در سال ۱۳۵۹ در صحرای طبس، کشف کودتای نافرجام نوژه در ۲۱ تیرماه ۱۳۶۱ و ناکامی دشمنان در جنگ هشت ساله و دهها نمونه دیگر شواهد گویایی است.

باران رحمت

موعود بزرگ جهانیان و قبله آمال مسلمانان و محبوب دل‌های شیعیان، همواره بر حال مردم نظر دارد و غیبت آن خورشید مهربانی، مانع از آن نیست که پرتو زندگی بخش و نشاط آفرین خود را بر جان‌های مشتاق بتاباند و آن‌ها را بر خوان کرم و بزرگواری خویش، مهمان کند. آن ماه منیر دوستی و مهرورزی، پیوسته غمخوار شیعیان و دستگیر مددجویان آستان حضرتش بوده است. گاهی بر بالین بیماران حاضر گردیده و دست شفا بخش خویش را مرهم زخم‌های آن‌ها قرار داده است و زمانی دیگر، به گم شدگان در بیابان‌ها عنایت فرموده و واماندگان در وادی تنهایی و بی کسی را یار و یاور و راهنما گشته است و در لحظه‌های سرد ناامیدی، دل‌های منتظر را گرمی امید، بخشیده است. او که باران رحمت الهی است، در همه حال، بر کویر تفتیده جان‌ها باریده و با دعای خود برای شیعیان، سبزی و خرمی را برای آن‌ها به ارمغان آورده است. آن سجاده نشین آستان حضرت دوست، دست‌های خواهش را گشوده و برای من و تو این چنین خواسته است:

«یا نُورَ النُّورِ یا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ یا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي وَلِشِيعَتِي مِنَ الضِّيقِ فَرَجاً وَمِنْ أَلْهَمٍ مَخْرَجاً وَأَوْسَعِ لَنَا الْمَنْهَجَ وَأَطْلِقْ لَنَا مِنْ عُنْدِكَ مَا يَفْرُجُ وَأَفْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمٍ^{۱۹}؛

ای روشنایی نور، ای تدبیر کننده کارها، ای زنده کننده مردگان، بر محمد و خاندان او درود فرست و برای من و شیعیانم در تنگناها گشایشی قرار ده و از غم و اندوه راه چاره‌ای باز کن و راه [هدایت] را بر ما وسعت بخش و راهی که در آن گشایش ما است به روی ما بگشا و آنچنان که تو شایسته آن هستی با ما رفتار کن ای کریم.»

آنچه گفته شد بیانگر آن است که از آثار وجود امام - گرچه در غیبت به سر برد - امکان ارتباط و اتصال به اوست و آن‌ها که لیاقت و شایستگی داشته‌اند لذت همنشینی و همنوایی آن یار بی همتا را چشیده‌اند.

خلاصه درس

- امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) محور هستی، و واسطه همه فیوضات الهی به دیگران است
- اعتقاد به ظهور و آمدن حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) روح امید و نشاط و پویائی را در جامعه می‌دمد.
- امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نسبت به جریان امور مسلمین اشراف دارد و از مکتب شیعه پاسداری می‌کند.
- با توجه به اشراف حضرت بر کارها و عرض اعمال مردم به حضور حضرت، این اعتقاد اثر تربیتی جدی در اصلاح و خودسازی مردم دارد
- امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پناهگاه علمی و فکری شیعیان و حق طلبان است در موارد زیادی بزرگان شیعه پاسخ‌های علمی خود را از طریق حضرت دریافت نموده‌اند و نیز هدایت باطنی، ایمنی از بلاها و نزول باران رحمت از برکات وجودی آن حضرت است.

معرفی منابع جهت مطالعه و پژوهش

۱. سیمای آفتاب - حبیب‌الله طاهری
۲. دادگستر جهان - ابراهیم امینی
۳. تاریخ عصر غیبت - پورسیدآقایی و...
۴. منتخب الانوار المضيئه - نیلی نجفی

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۰۱.
۲. *مفاتیح الجنان*، زیارت جامعه کبیره. توضیح اینکه این زیارت از امام هادی (علیه السلام) نقل شده است و از نظر سند و عبارات، عالی است و پیوسته مورد عنایت خاص عالمان شیعه بوده است.
۳. *احتجاج*، ج ۲، ش ۳۴۴، ص ۵۴۲.
۴. *مفاتیح الجنان*، دعای عدیله.
۵. *احتجاج*، ج ۲، ش ۳۵۹، ص ۵۹۸.
۶. او از علمای بزرگ شیعه عصر صفوی است که آثار فراوانی از خود بجا گذاشته، معروفترین آنها کتاب *بحارالانوار* است که مجموعه‌ای گرانسنگ از کلمات اهل بیت (علیهم السلام) است که در ۱۱۰ جلد تنظیم شده است. وی در سال ۱۱۱۱ ق وفات یافت و در مسجد جامع اصفهان دفن شد.
۷. پولی که غیر مسلمانانی که در پناه حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، در برابر تأمین امنیت و برخورداری از امکانات به دولت اسلامی می‌پردازند.
۸. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۷۸.
۹. سوره توبه، آیه ۱۰۵.
۱۰. کافی، ج ۱، باب *عرض الاعمال*، ص ۱۷۱.
۱۱. رک: *کمال الدین*، ج ۲، باب ۴۵، صص ۲۳۵ - ۲۸۶.
۱۲. *همان*، ج ۴، ص ۲۳۷.
۱۳. او از علمای بزرگ شیعه در قرن دهم هجری بود که در تقوا و فضایل اخلاقی نمونه و مثال زدنی است و بنا بر نقل علامه مجلسی، بارها محضر امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشرف گردیده و از وی آثار ارزشمندی هم بجای ماندند حدائق الشیعه و... مزار او در حرم امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌باشد.
۱۴. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۷۴.
۱۵. *اثبات الهداة*، ج ۳، ح ۱۱۲، ص ۴۶۳.
۱۶. *کمال الدین*، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴، ص ۲۳۹.
۱۷. سوره انفال، آیه ۳۳.
۱۸. *کمال الدین*، ج ۲، باب ۴۳، ح ۱۲، ص ۱۷۱.
۱۹. *منتخب الاثر*، فصل ۱۰، باب ۷، ش ۶، ص ۶۵۸.